

وقتی صدای مردم از مرزها عبور می‌کند

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید محسن موسوی، راوی انگلیسی‌زبان تجمعات ایرانیان، درباره نقش روایتگری بین‌المللی در بازتاب راهپیمایی‌های مردمی و شکستن روایت‌های رسانه‌ای غرب

شایان‌الہ آبادی | در روزهایی که مردم ایران در اعتراض به تجاوزات آمریکا و رژیم صهیونیستی و حمایت از کشورشان به خیابان‌ها آمده و تجمعات گسترده‌ای در شهرهای مختلف برگزار کردند، صحنه‌هایی از همبستگی و حضور مردمی شکل گرفت که بازتاب آن در فضای رسانه‌ای داخلی و شبکه‌های اجتماعی قابل مشاهده بود. با این حال، در سوی دیگر ماجرا، بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی غربی یا ترجیح دادند این تجمعات میلیونی را نادیده بگیرند یا اگر هم به آن پرداختند، تنها به شکلی محدود و گذرا آن کنار آن عبور کردند. در چنین فضایی، نقش افرادی که تلاش کردند با روایت مستقیم از صحنه تصویری متفاوت از آنچه در ایران می‌گذرد در اختیار افکار عمومی جهان قرار دهند، بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. این اتفاق از این نظر بسیار ارزشمند و حیاتی است که ترامپ هم در ادعایی مضحک گفت ویدئوی حضور حامیان ایران در خیابان‌ها با هوش مصنوعی ساخته شده و رسانه‌های غربی هم نوعی سانسور را در مواجهه با این حضور میلیونی در پیش گرفتند. در چنین شرایطی، روایت مستقیم و چندزبانه از دل میدان می‌تواند واقعیت آنچه را در ایران رخ داده به مخاطبان جهانی نشان دهد. به همین بهانه با حجت‌الاسلام سید محسن موسوی (کارشناس ادیان و تورست آستان قدس رضوی) که ویدئوهای حضورش در خیابان‌ها و صحبت کردنش به زبان انگلیسی مورد توجه قرار گرفته و از جمله افرادی است که تلاش کرده صدای مردم ایران را به مخاطب جهانی برساند و بازتاب دهد، درباره اهمیت روایتگری جهانی از این رویدادها گفت‌وگو کرده‌ایم.

سرنوشت جنگ‌ها فقط در میدان نظامی تعیین نمی‌شود

آقای موسوی مدرس حوزه و دانشگاه در ابتدای گفت‌وگو با اشاره به نقش افکار عمومی در تحولات بین‌المللی می‌گوید: «قطعا بخشی از سرنوشت جنگ‌ها را کنشگری‌های مردم در سراسر دنیا رقم می‌زنند؛ به‌ویژه وقتی جنگی ابعاد منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای پیدا می‌کند. طبیعی است که تصمیم‌گیران اصلی در چنین شرایطی مسئولان ارشد سیاسی و نظامی کشورها هستند، اما همین تصمیم‌ها هم تا حد زیادی تحت تأثیر فضای افکار عمومی و کنشگری مردم قرار دارد. اگر ما روایت درستی از جنگ نداشته باشیم، حتی اگر حق با ما باشد و در یک دفاع مشروع قرار گرفته باشیم، ممکن است این حق وارونه جلوه داده شود. در چنین شرایطی ممکن است پس از پایان جنگ، به جای این که ایران به عنوان کشوری که مورد ظلم قرار گرفته شناخته شود، به عنوان کشوری معرفی شود که خود عامل ظلم بوده است. بنابراین روایتگری درست از آنچه در میدان می‌گذرد اهمیت بسیار زیادی دارد. از سوی دیگر، روایت صحیح می‌تواند چهره واقعی جنایتکاران را به تصویر بکشد و مردم دنیا را از تصمیماتی که در آمریکا و اسرائیل گرفته می‌شود، آگاه کند. همین مسئله یکی از دلایلی بود که باعث شد من تلاش کنم در فضای مخاطبان غیرایرانی فعالیت داشته باشم و صدای مردم ایران را به دیگر ملت‌ها برسانم؛ چرا که مردم کشورهای مختلف، به‌ویژه در آمریکا و اروپا می‌توانند با کنشگری خود کاری کنند که حادثه تلخی مشابه آنچه در میناب رخ داد، به این راحتی تکرار نشود و اجازه ندهند دشمن تا این حد گستاخانه عمل کند.»



ایران در گوشه‌رینگ قرار ندارد!

یکی از چالش‌های بزرگ در روایتگری بین‌المللی، نشان دادن چهره‌ای دقیق از وضعیت کشور است؛ چهره‌ای که نه از سر التماس باشد و نه از سر جنگ طلبی. آقای موسوی در این باره می‌گوید: «یکی از پیام‌های قالبی که من همواره سعی می‌کنم در محتوای خودم به مخاطب غیرایرانی انتقال دهم، این است که ملت ایران در یک جنگ تحمیلی قرار گرفته و مظلوم واقع شده است. این وجه اشتراک ملت ایران با مردم مظلوم فلسطین است. اما سعی کرده‌ام تصویر دیگری را هم به صورت ویژه برجسته کنم؛ تصویری که شاید در باره فلسطین کمتر داشتیم، این است که ما در کنار این که مظلوم هستیم، مقتدر هم هستیم. یعنی این گونه نیست که به عنوان یک مظلوم ضعیف، ما را در گوشه رینگ گیر انداخته باشند، مدام به ما مشت بزنند و مورد حمله قرار دهند و ما هیچ راه دفاعی نداشته باشیم؛ برعکس! ما اتفاقا به شدت آماده‌ایم و با اقتدار کامل در میانه این میدان ایستاده‌ایم و جواب محکم می‌دهیم. ملت ایران در عین مظلومیت، توان ایستادگی و دفاع از خود را دارد و همین مسئله باعث شده بسیاری از مخاطبان غیرایرانی واکنش‌های بسیار مثبتی نسبت به این روایت نشان دهند و از کنشگری مردم ایران لذت ببرند.»



پیام واحد مردم ایران: تسلیم نمی‌شویم

مدیر سابق مرکز اسلامی زامبیا درباره پیام مردم ایران در این تجمعات می‌گوید: «پیامی که مردم ایران می‌خواهند به جهان منتقل کنند یک پیام واحد است و آن این که ما توقف‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر هستیم. دشمن در طول دهه‌های گذشته به شکل‌های مختلف تلاش کرده به ایران ضربه بزند و شکست‌هایی را تحمیل کند، اما در هیچ کدام از این تلاش‌ها موفق نشده است. دشمن در این گام آخر و جدی‌تری که برداشته، با به

شهادت رساندن رهبر عزیزتر از جانمان و با ایجاد ناامنی، ترور و بمباران مراکز نظامی، خیال می‌کرد می‌تواند مردم ایران را به نقطه تسلیم بکشاند. اما پیامی که مردم ایران به جامعه جهانی می‌فرستند، کاملا برعکس محاسبات آن هاست و حتی اگر صدها و هزاران نفر از مسئولان یا نظامی‌ها و... به شهادت برسند، مسیر دفاع از کشور و حفظ استقلال ادامه خواهد داشت و از مسیر دفاع از کشور عقب‌نشینی نخواهند کرد.»

از برزیل پیام می‌گیرم که برای مردم ایران دعا می‌کنند

تامل دارد. اگر بخواهیم با نگاه صرفا دینی و ظاهری نگاه کنیم، یک رژیم یهودی (صهیونیستی) در کنار یک کشور مسیحی (آمریکا) در حال جنگ با یک کشور اسلامی (ایران) هستند. علی‌القاعده، غیرمسلمانان در غرب باید طرف هم‌کیشان خود را بگیرند اما جریان به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. تمام کسانی که در جهان آزادی خواه هستند، فارغ از دین و نژاد، به سمت ایران آمده‌اند. من از کشورهای مختلفی مثل برزیل پیام‌هایی دریافت می‌کنم که فرد غیرمسلمان می‌گوید: (من هر روز برای مردم ایران دعا می‌کنم). حالا دعای او دعای توسل و افتتاح نیست، اما با خدای خودش به زبان خودش ارتباط می‌گیرد و مسلمان خداوند صدای او را می‌شنود، چرا که او در جبهه حمایت از مظلومان عالم ایستاده است.»

آقای موسوی که کارشناس ادیان و تورست آستان قدس رضوی است درباره بازخوردهای بین‌المللی می‌گوید: «یکی از چیزهایی که برای خودم به شدت زیبا و شگفت‌انگیز بود، همراهی غیرمسلمانان از کشورهای مختلف با جمهوری اسلامی است. طبیعتا وقتی وارد یک جنگ می‌شویم، توقع اول این است غیر از ایرانی‌ها، شیعیان سراسر دنیا هم همصدا شوند کمالین که این اتفاق هم افتاد. البته جای گله هم دارد که صدای برخی از شیعیان در کشورهای مختلف هنوز بلند نشده، در حالی که صاحب‌رسانه هم هستند. اما جدای از شیعیان، انتظار می‌رفت که مسلمانان هم به صورت کلی از ایران که کشوری اسلامی و حامی فلسطین است، حمایت کنند و موضع بگیرند، نه این اتفاق تا حد زیادی در حال رخ دادن است. اما حمایت غیرمسلمانان و افعا جای

شگفتی جهانیان از شجاعت مردم در خیابان‌های تهران

غیرقابل درک و اعجاب‌انگیز بود. خارجی‌ها وقتی ویدئوهای دیگر را می‌بینند، می‌گویند زیبا

بود؛ اما این حرکت خاص مردم در تهران برایشان نمونه مشابهی در جهان نداشت. کامنت‌ها و واکنش‌ها نشان می‌داد که آن‌ها در تصور ایشان هم نمی‌گنجد مردمی تا این حد شجاع باشند. آن‌ها می‌پرسیدند: چگونه ممکن است آتش دشمن به سمت شما بیاید، اما شما بدون هیچ جان‌پناه، محافظ و سلاحی در خیابان بایستید و تکبیر بگویید؟ این سطح از شجاعت و نترسیدن از مرگ، همان نقطه برتری شناختی ما بر دشمن است.»



آقای موسوی درباره یکی از پربازدیدترین محتواهای رسانه‌ای می‌گوید: «یکی از ویدئوهایی که به

شدت در فضای خارج از کشور وایرال و برجسته شد، مربوط به زمانی بود که مردم عزیزمان در تهران مشغول راهپیمایی بودند. در سمت در همان زمان، پدافند هوایی مشغول به کار بود و پهپادها و پرتابه‌های متخاصم دشمن به سمت کشور هجوم آورد بودند. در آن شرایط دلهره‌آور، مردم نه تنها متفرق نشدند، بلکه همچنان با صلابت و آرامش در میدان ماندند؛ تکان نخوردند و با صدایی رسا شعار (الله اکبر) سر دادند. این صحنه برای مخاطب خارجی

میهن‌دوستی تا پای جان؛ ویژگی خاص مردم ایران

مفهوم ملی‌گرایی در غرب تفاوت بنیادینی با مفهوم میهن‌دوستی در فرهنگ ایرانیان دارد. موسوی درباره این تفاوت ساختاری که در پیام‌های رسانه‌ای خود هم به آن می‌پردازد، می‌گوید: «یکی از نکات ویژه‌ای که در مردم ایران وجود دارد و برای ما کاملا طبیعی و بدیهی شده، حس میهن‌دوستی تا پای جان است. شما در اکثر نقاط دنیایی نمی‌توانید چنین چیزی را با این عمق پیدا کنید. همه مردم دنیا به محل زندگی خود تعلق خاطر دارند. تیم‌های ورزشی‌شان را دوست دارند و به رتبه‌های علمی کشورشان افتخار می‌کنند. اما این

عشق تا کجاست؟ دقیقا تا جایی که به منافع شخصی، جان و مالشان ضرری نرسد. اگر کار به جایی برسد که فرد به واسطه دفاع از کشورش امکانات، رفاه، سلامت یا جان خود را از دست بدهد، به سرعت پا پس می‌کشد. این یک قانون نانوشته در بیشتر کشورهای دنیاست. اما در ایران، معادله کاملا متفاوت است. در کشور ما، این که یک نفر به راحتی بگوید (من تا پای جان پای این پرچم، این انقلاب و این آب و خاک ایستاده‌ام و جان خودم و عزیزانم را تقدیم می‌کنم)، یک حرف کاملا عادی و روزمره است.»

روایت برای مخاطب خارجی متفاوت است

مدیر سابق مرکز اسلامی زامبیا در توضیح شیوه روایتگری برای مخاطبان خارجی می‌گوید: «یک تفاوت جدی در کار ما این است که ما فقط زبان را تغییر نمی‌دهیم. نمی‌شود همان روایتی را که برای مردم خودمان در داخل داریم، صرفا با ترجمه انگلیسی به خورد مخاطب غربی بدهیم. پیش‌فرض‌های او نسبت به جنگ، با توجه به زیست‌بوم و کشوری که در آن زندگی می‌کند، کاملا متفاوت است. اطلاعاتی که برای ما مفروض و بدیهی است، مخاطب خارجی ندارد؛ پس نیاز به توضیح و پیوست فرهنگی دارد. از طرف دیگر، مسائلی وجود دارد که دغدغه روزمره ماوست، اما در کشور ماحلی از اعراب ندارد. هنر رسانه، لینک کردن و پیوند زدن این دو مقوله است. مثلا، مردم مادر داخل کشور دغدغه‌ای به نام پرداخت مالیات در آمریکا ندارند. اما برای یک شهروند آمریکایی، مالیات یک خط قرمز مسئله‌ای حیاتی است. اگر من در محتوای خودم به مخاطب آمریکایی بگویم، آیا می‌دانی کشتار کودکان بی‌گناه در مدرسه میناب، دقیقا با موشک‌هایی انجام شد که هزینه آن از مالیات پرداختی شخص تو تأمین شده است؟ این مسئله ناگهان برای او تبدیل به یک بحران احساسی و وجدانی می‌شود. او دیگر نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. در حالی که بیان این مدل استدلال در داخل کشور نیازی نیست.»

جهان باید اقتدار ایران را ببیند

در این روزهای بحرانی، سوال بسیاری از فعالان فضای مجازی این است که دقیقا باید روی چه موضوعاتی تمرکز کنند. آقای موسوی پاسخ روشنی برای این دغدغه دارد: «در این روزها افراد مختلفی از من پرسیده‌اند که ما چه چیزی را باید روایت کنیم؟ حرف و توصیه اکید من این است که اگر می‌خواهید روایتی داشته باشید، فقط روایت اقتدار ایران را منتشر کنید. این همان تصویری است که جهان تشنه دیدن آن است و رسانه‌های بین‌المللی با تمام قوا سعی در سانسور آن دارند. از رسانه‌های آمریکایی گرفته تا رژیم صهیونیستی، مدام در حال پمپاژ این دروغ هستند که مسئولان ایرانی



در رفته‌اند، در پناهگاه‌ها مخفی شده‌اند و هیچ کدام پیدایشان نیست. آن‌ها می‌خواهند بدر ناامیدی را بکارند. وقتی شما تصاویری را به جهان مخابره می‌کنید که نشان می‌دهد مسئولان ارشد ما در خیابان‌ها و در کنار مردم عادی حضور دارند، این تصاویر به صورت خودکار تمام آن عملیات روانی دشمن را باطل می‌کند. مهم‌ترین کار ما این است که جلوه ویژه‌ای از اقتدار، همبستگی و شجاعت ملت و دولت ایران را به دنیا نشان دهیم.»

اگر ایران نباشد، انتقادات ما هم

معنایی نخواهد داشت

هیچ جامعه‌ای بدون نقض نیست و وجود اختلاف نظر و انتقاد در هر کشوری کاملا طبیعی است. اما هنر یک ملت هوشمند، تشخیص زمان اتحاد در برابر دشمن خارجی است. این فعال رسانه‌ای با نگاهی جامعه‌شناختی به این مسئله می‌پردازد: «بیباید واقع‌بین باشیم؛ همه ما در داخل کشور ممکن است به بخش‌هایی از وضعیت موجود معترض باشیم. نگاه‌های مختلفی داریم و گلايه می‌دیم. هر کدام از ما در حوزه اقتصاد، فرهنگ یا مدیریت انتقادهایی داریم. اما باید بینیم معنای واقعی گلايه چیست؟ گلايه و انتقاد یعنی من دلسوز این کشورم و می‌خواهم آینده ایران را به شکل بهتری ترسیم کنم و تغییرات مثبتی در آن اعمال کنم. اما تهدیدی که امروز از سوی آمریکا و صهیونیسم علیه کشور ما وجود دارد، ماهیت متفاوتی دارد. آن‌ها نمی‌خواهند ما تغییر مثبت کنیم؛ آن‌ها می‌خواهند اساسا کشوری به نام ایران روی نقشه وجود نداشته باشد. دشمن به دنبال یک ایران تجزیه‌شده، ضعیف، چندپاره و با قدرت‌های بی‌ثبات است تا بتواند به راحتی بر منطقه حکمرانی کند. در چنین وضعیت خطیری، اگر من امروز پای کشور نایستم و اجازه دهم دشمن خارجی به اهداف شومش برسد، در آینده‌ای که ایرانی وجود نداشته باشد، این انتقادها و گلايه‌های من هیچ رنگ و بویی نخواهد داشت! نابودی ایران یعنی نابودی تمام آرمان‌ها و آینده ما. بنابراین، امروز روز اتحاد برای حفظ اصل موجودیت ایران عزیز است». در پایان، آقای موسوی بار دیگر بر قدرت رسانه‌ها تاکید کرده در این باره می‌گوید: «مسائلی که بررسی کردیم، به وضوح اهمیت و قدرت جادویی رسانه را نشان می‌دهد. رسانه غربی توانسته افکار عمومی بخش‌هایی از مردم را در داخل و خارج کنترل کند به طوری که هنوز عده‌ای تصور می‌کنند آمریکا برای حمایت از آزادی و حقوق بشر جنگ را آغاز کرده است! مخاطب با چشم خودش می‌بیند که آمریکا و اسرائیل مدرسه و بیمارستان را بمباران می‌کنند اما باز هم آن را توجیه می‌کند. چون رسانه این قدرت را دارد که افکار را چنان مدیریت کند که فرد واقعیت جلوی چشمش را انکار کند و دروغ را بپذیرد. این جاست که اهمیت سواد رسانه‌ای و جهاد تبیین مشخص می‌شود. این شرایط ایجاب می‌کند که همه ما، با هر سلیقه‌ای، متحد شویم و روایت درست را هم به مردم خودمان و هم به غیرایرانی‌ها نشان دهیم.